



Research Paper

Research on the tower-tomb of Imamzadeh Azhar based on existing texts, documents and evidence

Mohammad Ebrahim Zarei¹ , Mohammad Hassan Salek Akbari^{*2}

¹ Professor of Department of Archeology, Faculty of Art and Architecture, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran

² PhD Student, Department of Archeology, Faculty of Art and Architecture, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran



Click or tap here to enter text.

Received:

Mar/04/2024

Revised:

Apr/24/2025

Accepted:

Sep /05/2025

Keywords:

Imamzadeh Azhar,
Dargazin, Rawzat al-
Jannan, Sheikh Shillah,
Khanqah

Abstract

Tower - Tomb of Imamzadeh Azhar located in Dargazin village is located 5 km east of Razan city. This building has two parts: the main prayer hall and the hypogeum. This building has been considered as the tomb of a great-grandson named Imamzadeh Azhar, Question is, how reliable can this attribution be? In the present study, assuming that the tomb-tower of Imamzadeh Azhar mausoleum is a religious building and not an original mausoleum, when it was originally created. Attempts have been made with the help of descriptive, historical and analytical methods and review of library documents; Using the texts of the Islamic period and comparing them with field data, a reasoned and comprehensive answer to this question should be provided. Buildings with this style have been built in different parts of Iran during the Ilkhanate that Using the original and first-hand data of this period and subsequent periods, we can achieve success in recognizing them. One of these texts is Rawzat al-Jannan and Janat al-Jannan by Hafiz Hossein Karbalaee, which was written about the expression of the Shrines and Sufis of Tabriz. In this Islamic text, reference is made to the great Sufi, Sheikh Shillah Dargazini, who had a Khanqah in the eighth century AH in the city of Dargazin. According to the descriptions of this source of the Sheikh and his Khanqah in Dargazin and with field comparisons, the most probable place for his Khanqah can be considered as the tower-tomb of Imamzadeh Azhar from the Ilkhanate period.

***Corresponding Author:** Mohammad Hassan Salek Akbari

Email: h.salekakbari@gmail.com



نوع مقاله: پژوهشی

پژوهشی در بنای برج-مقبره موسوم به امامزاده اظهر به استناد متون، مدارک و شواهد موجود

محمدابراهیم زارعی^۱ ID، محمدحسن سالک اکبری^۲ ID^۱ استاد گروه باستان‌شناسی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان^۲ دانشجوی دوره دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

Click or tap here to enter text.

چکیده

برج-مقبره امامزاده اظهر در روستای درگزین از توابع شهرستان درگزین و در ۵ کیلومتری شرق شهر رزن قرار دارد. این بنا با بدنه‌ای ترک‌دار و گنبدی رک، دارای دو بخش صحن اصلی و سرداب است. این بنا را مدفن بزرگ‌زاده‌ای به نام امامزاده اظهر دانسته‌اند که امروزه زیارت-گاه مردمان منطقه است. پرسش اصلی این است که چه میزان می‌توان به درستی این انتساب اطمینان داشت؟ در پژوهش حاضر با فرض این که بنای برج-مقبره امامزاده اظهر یک بنای عبادی - مذهبی و نه یک بنای مقبره‌ای به-ذات در ابتدا ایجاد شده؛ سعی شده است تا با کمک روش توصیفی، تاریخی و تحلیلی و بررسی مدارک و مستندات کتاب-خانه‌ای؛ با بهره‌گیری از متون دوران اسلامی و همسنجی با داده‌های میدانی پاسخ مستدل و جامع برای این پرسش ارائه گردد. بناهایی با این سبک در دوره حاکمیت ایلخانان در نقاط مختلفی از ایران ساخته شده است که با استفاده از داده‌های اصیل و دست اول این دوران و دوره‌های بعدی می‌توان در بازشناخت آن‌ها به توفیقاتی نائل آمد. یکی از این داده‌ها کتاب روضه‌الجنان و جنات‌الجنان از حافظ حسین کربلانی، که در باب بیان مزارات و عارفان تبریز نگارش یافته؛ است. در این کتاب اشاره به صوفی عالیقدر، شیخ شی‌لله درگزینی دارد که این عارف قرن هشتم هجری در شهر درگزین خانقاهی داشته است. با توجه به توصیفات این منبع از شیخ و خانقاه او در درگزین و با همسنجی‌های میدانی محتمل‌ترین مکان برای خانقاه او را می‌توان برج-مقبره امامزاده اظهر از دوره ایلخانی دانست و مزار موجود در سردابه را نیز می‌توان با قبر خود شیخ مطابقت داد که بعد از مرگ ایشان در خانقاه خویش دفن شده است.

دریافت:

۱۴۰۳/۱۲/۱۳

بازنگری:

۱۴۰۴/۰۲/۱۷

پذیرش:

۱۴۰۴/۰۶/۱۴

کلیدواژه‌ها:

امامزاده اظهر؛ درگزین؛
روضه‌الجنان؛ شیخ شی‌لله؛
خانقاه.

* نویسنده مسئول: محمدحسن سالک اکبری

تلفن: ۰۹۳۸۰۱۷۰۷۴۰

ایمیل: h.salekakbari@gmail.com



۱ مقدمه

حدود هشتاد سال طول کشید تا هنرهای ایرانی از ویرانی به بار آمده به دست مغولان کمر راست کند. اگر این هنر توانست پس از آن مصائب مجدداً جان بگیرد، تا اندازه زیادی بسته به وجود بزرگترین فرمانروای ایلخانی غازان خان (۶۹۵-۷۰۴ ق) بود (هیلن براند، ۱۳۸۶: ۱۹۵). با به قدرت رسیدن غازان خان در سال ۶۹۵ ق در جامعه و معماری و مسأله پشتیبانی از آن تحولی اساسی پدید آمد. غازان خان ارتباط خود را با خان بزرگ چین گسست و از آن پس فرهنگ بدوی صحراگردی مغولی را ترک کرد و به جای آن فرهنگ شهری یکجانشینی ایرانی را پذیرفت، به اسلام گروید و نام اسلامی محمود را بر خود نهاد. او و رشیدالدین (متوفی ۷۱۸ ق) برنامه اصلاحات پیرامنه‌ای راه انداختند و اقتصاد مملکت را زنده کردند و برای تأسیس شمار چشمگیری از بناهای جدید، به‌ویژه بناهای مذهبی مبالغه‌ناگفتی در نظر گرفتند. از این رو بیش‌ترین آثار معماری مذهبی ایلخانان به سال‌های ۷۳۵-۶۹۴ هجری قمری تعلق دارند (بلر، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۶). دوره ایلخانی شاهد دگرگونی عمده‌ای در ساخت آرامگاه‌ها بود؛ در این دوره غالب برج - مقبره‌ها را برای مقاصد دینی (به‌ویژه در مذهب تشیع) می‌ساختند تا غیر دینی و گاهی درون آن‌ها را با کاشی‌های زرین‌فام تزئین می‌کردند. محبوبیت پایدار بقعه‌های دینی که غالباً متعلق به مشایخ صوفی بودند؛ به عنوان کانون و توجه حمایت محلی و ملوکانه و نیز کاربرد رفاهی آن‌ها را می‌توان در جاهایی نظیر نطنز، بسطام، لنجان و اردبیل مشاهده کرد (همان: ۱۹۹). از جمله بناهای برج-مقبره‌ای دوره شکوه معماری ایلخانی می‌توان به بنای امامزاده اظهر درگزین اشاره کرد. این بنا با بدنه‌ای ترک‌دار و گنبدی مخروطی شکل واقع در روستای درگزین-در زبان محلی درگزین- از توابع شهرستان درگزین است. درگزین در دوره ایلخانی شهری مهم نبوده است؛ اما افراد مهمی در حکومت و در میان عرفاً منصوب به این شهر هستند. اما به خاطر حضور این افراد در دستگاه حکومت ایلخانان

و نیز اهمیت درگزین، ساخت و سازهای معماری و به‌ویژه ایجاد بناهایی با این شکل و شمایل و کارکردی به نظر نگارندگان خاصه نیازمند مطالعات جداگانه‌ای است که نمایانگر اهداف بنیان این بنا در شهر درگزین در دوره ایلخانی باشد. بدین منظور پژوهشگران حاضر سعی کرده‌اند تا در هفت بخش: مقدمه، پیشینه پژوهشی، جغرافیا و جغرافیای تاریخی شهر درگزین، توصیف ویژگی‌های بنای امامزاده اظهر درگزین، تصوّف در دوره ایلخانی، شیخ شی‌لله و خانقاه ایشان در درگزین و در آخر نتیجه‌گیری که با استفاده از روش‌های توصیفی، تاریخی و تحلیلی بر پایه متون مرتبط و همسنجی با داده‌های میدانی گردآوری شده‌اند؛ در حد امکان به این هدف نائل آیند.

۲ پیشینه پژوهشی

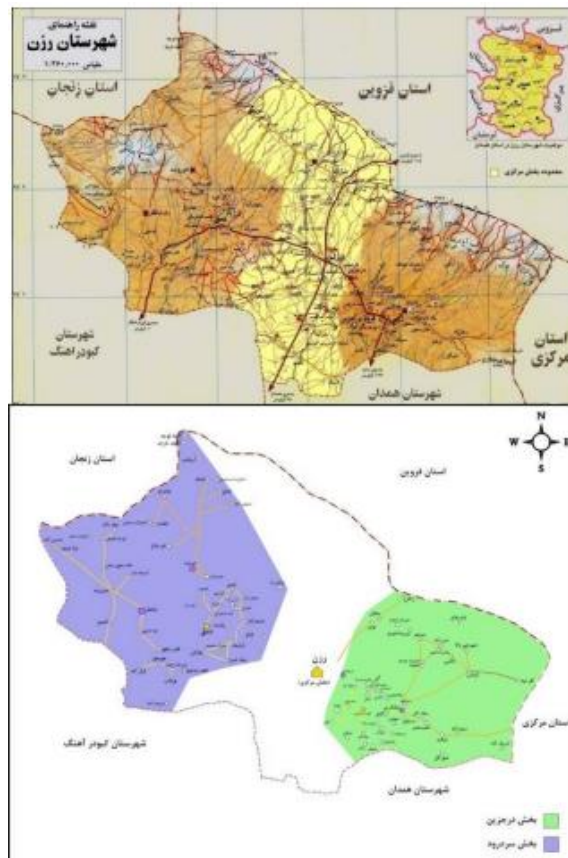
این بنا در مقایسه با عظمت و هنر معماری با شکوه خود، آن چنان که باید مورد توجه پژوهشگران و باستان‌شناسان قرار نگرفته است. برای اولین بار آندره گدار (۱۳۷۱) در کتاب «آثار ایران» به آن اشاره دارد و توصیفی را پیرامون این بنا ارائه می‌کند. پس از او «محمدتقی مصطفوی (۱۳۸۱)» است که شرح جامعی را از امامزاده اظهر بیان می‌دارد. «فاطمه کریمی (۱۳۸۹)» گمانه‌زنی‌هایی را پیرامون بنا انجام می‌دهد و شرحی از بنای امامزاده را در «دایره‌المعارف اسلامی» به چاپ می‌رساند. «محمد ابراهیم زارعی (۱۳۹۹)» نیز یک فصل کاوش را در سال ۱۳۹۱ در درگزین به انجام رسانده و نتایجی از آن را در مقاله‌ای به چاپ رسانده است. «نظری ارشد و کریمیان (۱۴۰۰)» در مقاله‌ای به صورت خاص به بنای امامزاده اظهر پرداخته است. در بخشی از کتاب «از درگزین تا کاشان» تألیف «پرویز اذکائی (۱۳۹۲)» بدون هیچ شرح جامعی در چند سطر آن را مربوط به خانقاه شیخ شی‌لله درگزینی می‌داند (اذکائی، ۱۳۹۲: ۶۹) و این پژوهش نیز ادامه‌دهنده نظر ایشان بوده و سعی شده است تا کارکرد اصلی بنای امامزاده اظهر درگزین با استناد به متون اسلامی و

سنجش آن با داده‌های میدانی و توصیفی بنا، تعیین گردد.

۳ درگزین

بخش قروه درگزین در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۹۷ با تصویب هیأت وزیران با نام شهرستان درگزین، از بخش به شهرستان ارتقا یافت. شهرستان درگزین با ۸۶۴ کیلومتر مربع مساحت، ۳۸ هزار نفر جمعیت، دو بخش مرکزی و شاهنجرین و چهار دهستان، دو شهر قروه درگزین و کرفس و ۴۷ روستا است. این شهرستان از شمال به کوه‌های شهرستان آوج در استان قزوین، از شرق به شهرستان ساوه در استان مرکزی، از جنوب به شهرستان فامنین و از غرب به شهرستان رزن منتهی می‌گردد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۶۹). این شهرستان جدیدالتأسیس نام خود را از شهر اسلامی درگزین به عاریت گرفته که از شهرهای مهم اسلامی تا دوره صفوی بوده است (نقشه ۱).

لازم است به این نکته درباره درگزین اشاره شود که این شهر در دوران گذشته بر سر راه زنجان و سلطانیه به گلیایگان و اصفهان واقع بوده، یعنی از طریق دهستان «شراء» متصل بدان، که جاده قدیم همدان به اصفهان نیز بر همان مسیر بوده است (اذکایی، ۱۳۹۲: ۳۴-۲۴). این دلیل باعث گردیده که درگزین همواره از اهمیت خاصی برخوردار باشد و در جنگ‌های مختلف داخلی در دوران پس از ایلخانان و تیموریان یکی از قلاع اصلی حکمرانان بوده که بین ایشان دست‌به‌دست می‌شده است. همچنین در جنگ‌های بین ایران و عثمانی همواره درگزین از اهمیت بالایی برخوردار بوده و جنگ‌های خونین بسیاری را برای تصرف آن به انجام رسانده‌اند (همان).



نقشه شماره یک- موقعیت جغرافیایی درگزین و رزن در استان همدان (زارعی، ۱۳۹۹: ۱۸۵)



مرکز حاکمیت در مقیاس منطقه‌ای در نوع خود از صلابت و یگانگی برخوردار بوده است که اهمیت و جایگاه صاحب بنا را در منطقه خود نمایان می‌سازد.

۴ برج - مقبره امامزاده اظهر

بنای امامزاده اظهر تا چند دهه پیش از چشم مورخان و جغرافیا نویسان و جهان‌گردان دور مانده بود. از این رو اطلاعات مبسوطی از این بنا در دست نیست. این بنا در بخش شمال شرقی روستای درجزین از توابع شهرستان درگزین در ۸۳ کیلومتری شهر همدان واقع شده است. اهالی منطقه، مقبره را متعلق به اظهر ابن علی از اولاد امام زین العابدین (ع) می‌دانند (کلافچی، ۱۳۸۷: ۶۵۹). به علت وجود ۱۹ ترک در بدنه بنا و ارتفاع زیاد گنبد، بنای مزبور در نوع خود یکی از آثار منحصربه‌فرد عهد ایلخانان به شمار می‌رود (مصطفوی، ۱۳۸۱: ۱۹۵). نقشه بنا از گونه برج-مقبره‌ای است که در سده‌های ۴-۵ ه. ق. معمول بوده است. در نمونه‌های کهن‌تر شکل بنا کاملاً ساده و شامل یک استوانه بلند با پوششی مخروطی است؛ اما به دلیل یکنواخت بودن سطح استوانه پس از سده ۵ ه. ق. برج‌های مدور کمتر ساخته شده است و اشکال چند وجهی و انواع ستاره‌ای جایگزین طرح دایره‌ای شکل می‌شود. در این گونه برج‌ها دندان‌های مثلث گونه از ازاره آغاز شده در پیش‌آمدگی بام محو می‌شود. تأکید بر ارتفاع از ویژگی‌های برج-مقبره‌ها است. پوشش این بناها را گنبدی مخروطی با نورگیرهایی در قاعده آن تشکیل می‌دهند (کریمی، ۱۳۸۹: ۳۳۷). جزئیات نقشه، سازه و تزئینات این آرامگاه با بناهای مشابه و متعلق به اواخر سده ۷ و اوایل سده ۸ ه. ق. قابل مقایسه است. بیش‌ترین مشابهت‌ها میان این بنا و برج‌های علاالدین ورامین، کاشانه بسطام، و امامزاده عبدالله و عبيدالله دماوند مشاهده می‌شود. از این رو می‌توان گفت که بنای اظهر در اواسط نیمه نخست سده ۸ ه. ق. و پیش از فروپاشی حکومت ایلخانان بزرگ برپا شده است. (کریمی، ۱۳۸۹: ۳۳۹). این بنا هرچند در ردیف برج کاشانه، بسطام و برج علاالدین در ورامین نبوده و معمار آن نیز اگر چه در قامت معماران بناهای یاد شده نیست، ولی با توجه به واقع شدن در منطقه‌ای دورافتاده‌تر از



تصویر شماره دو- نمای کلی بنا (نگارندگان، ۱۳۹۸)

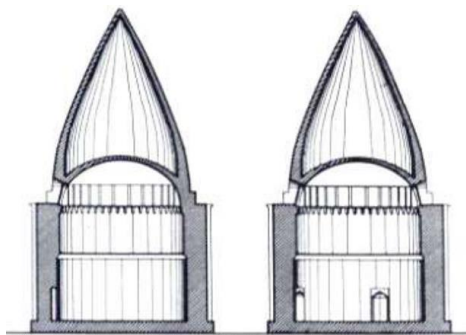


تصویر شماره یک- ابعاد هر یک از اضلاع نوزده گانه (نگارندگان، ۱۳۹۸)

قاب تقریباً مربعی را ایجاد کرده که در داخل این قاب آجرهایی استفاده شده است که دارای ابعاد کوچکتر و چینش خاصی هستند که به احتمال زیاد؛ آجرهای لعابدار یا همان کاشی‌هایی بوده‌اند که در پیشانی بنا به کار رفته بوده‌اند که در گذر زمان و عوامل مختلف از بین رفته‌اند (تصویر ۴). برج از داخل استوانه‌ای است به قطر ۹/۳۰ متر. بدنه داخل برج اکنون گچ‌اندود است، اما در آغاز ساده و برهنه بوده است. اندود سطح از دو لایه متوالی تشکیل می‌شود: نخست لایه‌ای از گچ کوره و گل، احتمالاً متعلق به عصر صفوی است؛ درحالی‌که لایه دوم، از گچ، به پس از این دوره تعلق دارد. در محل‌هایی که اندود دوم از میان رفته، یادگارهای زائران بنای امامزاده اظهر به چشم می‌خورد. تاریخ قدیم‌ترین این یادگورها ۱۱۲۴ق هم‌زمان با سلطنت شاه سلطان حسین صفوی است (کریمی، ۱۳۸۹: ۳۳۷-۳۳۸).

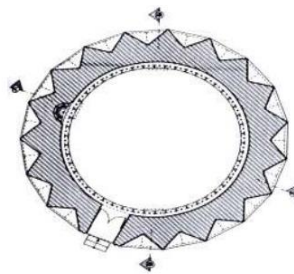
بنای امامزاده اظهر از آجر ساخته شده و بر بنیانی از سنگ استوار است. پایه ۱۹ ضلعی برج را که اندازه هر ضلع آن ۲/۲۰ متر است، بر آن نهاده‌اند (تصویر ۱). این پایه ۱/۴۰ متر ارتفاع دارد. نقشه داخلی برج مدور و شکل خارجی آن دارای ۱۹ ترک (طرح‌های ۱ و ۲) و ارتفاع آن از سطح پایه ۹/۲۰ متر است. نمای بیرونی پوشش دو پوسته بنا مخروطی است به ارتفاع ۱۲/۷ که پاگردی به پهنای ۱/۴ متر آن را در میان گرفته است. مجموع ارتفاع سه بخش بنا، یعنی پایه، برج و پوشش مخروطی ۲۴/۳۷ متر است (تصویر ۲). که اکنون ۲۳/۹ متر آن نمایان است (تصویر ۲). ورودی برج در شرق بنا واقع است (تصویر ۳). فضای باقی‌مانده این ضلع برج را از بالای ورودی تا نزدیکی قرنیز دو قاب مستطیلی شکل مسطح پر کرده است. قاب پایینی که در بین در ورودی و قاب بالایی قرار گرفته است، یک قاب مستطیلی است که در داخل آن با استفاده از آجرهای بنا که با تکنیک‌های مختلف در حالت‌های مختلفی اجرا شده است یک

آن با آجر پوشیده شده است. (مصطفوی، ۱۳۸۱: ۱۹۵-۱۹۷). هر چند در طول زمان توسط حفاران غیر مجاز صدمات زیادی به آن وارد شده است.

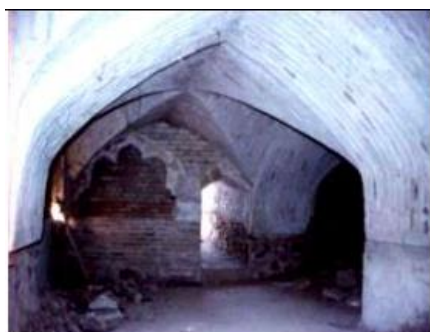


طرح شماره دو- برش بنای امامزاده اظهر (کلافچی، ۱۳۸۷: ۶۸۲-۶۵۹)

بنای امامزاده اظهر دارای سردابی مربع شکل به ابعاد $۶/۶ \times ۶/۶$ متر است (تصویر ۵) که تنها از یک در ورودی که در خارج بنا و در جنوب شرقی آن واقع شده، به آن می‌توان راه یافت (نظری ارشد و کریمیان، ۱۴۰۰: ۲۲۵). مدفن امامزاده اظهر در پای دیوار سمت جنوب غربی قرار گرفته و سطح



طرح شماره یک- نقشه بنای امامزاده اظهر (کلافچی، ۱۳۸۷: ۶۸۲-۶۵۹)



تصویر شماره پنج- سرداب بنا (نظری ارشد و کریمیان، ۱۴۰۰: ۲۲۶)



تصویر شماره چهار- قاب مستطیلی شکل بالای ورودی (نگارندگان، ۱۳۹۸)



تصویر شماره سه- ورودی بنا، دید از شرق (نگارندگان، ۱۳۹۸)

سازنده در حاشیه پایینی ضلع پایین و پس از پایان سوره چنین آمده است: «به تاریخ سنه ست و خمس و الف من هجره النبویه در ارفع بلده گیلان به فرموده اقبال پناه خواجه نظام‌الملک به عمل

صندوق چوبی مزار، با تاریخ ۱۰۵۶ ه.ق در میان برج قرار دارد. این صندوق از دو بخش پایه و بدنه تشکیل می‌شود. کتیبه‌ای منبت به قلم ثلث، در دو خط شامل سوره فتح در حاشیه بالا و پایین، بدنه صندوق را دور می‌زند. تاریخ ساخت، نام‌های بانی و



استاد طالب و کتیبه به تحریر العبد...»
(کریمی، ۱۳۸۹: ۳۳۹).



تصویر شماره هفت- صحنه مبارزه (نگارندگان، ۱۳۹۸)



تصویر شماره شش- درب ورودی سرداب، سمت جنوبی بنا (نگارندگان، ۱۳۹۸)

شخصی پیاده‌ای است؛ که احتمالاً روایت‌گر خون‌خواهی مختار از عاملین دشت کربلا است و نقاشی سوم صحنه‌ای را روایت می‌کند که دو نوجوان در دو طرف شخصی نشست‌اند که هر سه دارای هاله نورانی در پیرامون سر خود هستند. این صحنه را نظری ارشد و کریمیان مربوط به حضرت علی(ع) و امام حسن(ع) و امام حسین(ع) می‌دانند (همان). اما با توجه به این که در دوره‌های مختلف نقش حضرت علی(ع) به همراه شمشیر ذالفقار می‌آید که منحصر به فرد است؛ ولی در این صحنه شمشیری که این شخص در دست گرفته به صورت ساده است پس نمی‌توان گفت که این شخص حضرت علی(ع) است. به احتمال قوی این صحنه روایت‌گر پیامبر(ص) و حسنین است که در دو طرف ایشان هستند که کودکی این دو بزرگوار معاصر با حیات پیامبر(ص) بوده است. این صحنه در آتش‌سوزی مذکور به کلی از بین رفته و امروزه در زیراندود گچ قرار گرفته است (تصاویر ۷، ۸ و ۹).

علاوه بر صندوق چوبی چندین نقاشی از دوره‌های متأخر اسلامی نیز در داخل بنا دیده می‌شود که نظری ارشد و کریمیان آنان را مربوط به دوره صفویه می‌دانند که در جریان آتش‌سوزی و مرمت‌های پس از آن در سال ۱۳۹۳ مشخص شده‌اند (نظری ارشد و کریمیان، ۱۴۰۰: ۲۲۳) در حالی این نقاشی‌ها مربوط به دوره قاجاریه و بسیار مشابه با نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای آن دوره هستند که برخلاف گفته ایشان بر روی آخرین لایه گچ ایجاد شده و نه در لایه مربوط به دوره صفویه که در حریق سال ۱۳۹۰-تاریخ صحیح آتش‌سوزی- دچار آسیب فراوان شده‌اند و در اثر مرمت‌های غیر اصولی بعد از حریق بخش‌های زیادی از این نقاشی‌ها از بین رفته است. اصل این نقاشی‌ها شامل سه صحنه است: اولی شخص جوانی سوار بر اسب است. نظری ارشد و کریمیان این شخص را عباس بن علی(ع) می‌دانند (نظری ارشد و کریمیان، ۱۴۰۰: ۲۲۳)، ولی با توجه به چهره بدون ریش و جوانانه این شخص به احتمال زیاد روایت‌گر واقعه کربلا و حضرت علی‌اکبر(ع) است. دومی شخصی سوار بر اسب در حال مغلوب کردن



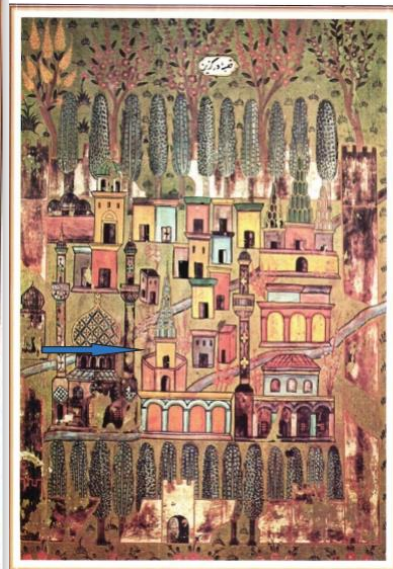
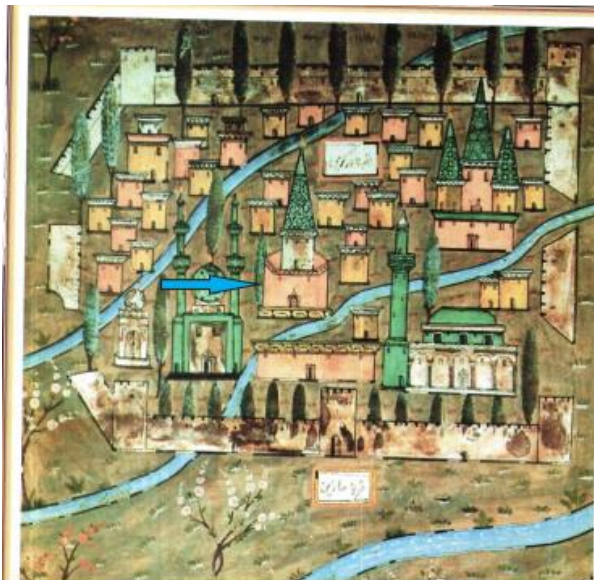
تصویر شماره نه- تصویر پیامبر(ص) و
حسنین بعد از آتشسوزی سال ۱۳۹۰ که
امروزه در زیراندود گچی قرار گرفته است.
(1399,6 www.rajaneews.com)



تصویر شماره هشت- جوانی سوار بر اسب
(1399,6, www.hamedanpayam.com)

نقاشی‌هایی را از شهرهای مختلف ایران در مسیر
لشگری چری عثمانی ترسیم کرده است که در این
میان دو نقاشی از شهر درگزین نیز دیده می‌شود.
چیزی که در این میان جالب توجه است؛ بنای
منفردی با گنبد مخروطی و بدنه‌ای چندضلعی است
که به احتمال زیاد همان بنای امامزاده اظهر است
که وجود منفرد آن را در دوره صفوی به نمایش
می‌گذارد (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

مرمت‌های مکرر در دوره‌های مختلف و دخل و
تصرف‌هایی که در آن‌ها به‌ویژه در داخل برج و
سرداب بنا صورت گرفته، چهره اصلی آن را دگرگون
ساخته است. خود بنا نیز کتیبه تاریخ ساختمان
ندارد. اما نقاشی‌هایی از شهر درگزین و بنای امامزاده
اظهر را می‌توان در کتاب بیان‌المنازل نصوص
مطراقچی مشاهده کرد. مطراقچی از همراهان
سلطان سلیمان عثمانی در جریان سال‌های ۹۴۲-
۹۴۰ ه.ق که لشکر عثمانی در پی شاه طهماسب در
سرزمین‌های ایران بوده است. او در این لشکرکشی



تصاویر شماره ده و یازده- نقاشی‌هایی از شهر درگزین و برج امامزاده اظهر در دوره صفوی (مطراقچی، ۱۳۷۹)



۵ تصوّف در دوره ایلخانان

مسافران غذا تهیه می‌شد و به ساکنین جامه و شهریه نیز داده می‌شد (کیانی، ۱۳۶۹: ۱۲۸).

دوره ایلخانان را باید عهد اوج‌گیری صوفی‌گری نام نهاد. به‌ندرت می‌توان کسانی را یافت که مرید شیخی نبودند و یا دست‌کم به نوعی با خانقاه سروکار نداشتند. تصوّف بر همه جا و همه چیز سایه افکنده بود. در بین سلاطین چه بودایی و مسیحی و چه مسلمان، تقریباً فردی را نمی‌یابیم که مرید شیخی نبوده باشد. قدرت و اهمیت شیوخ در جامعه ایلخانی ایران تا بدان پایه بود که آنان را می‌توان پادشاهان بی‌تاج و تختی دانست که بر همه مردم و سراسر مملکت فرمانروایی داشتند (بیانی، ۱۳۸۹: ۶۵۹-۶۶۰). در دوران ایلخانان تصوف در همه وجوه و شؤون اجتماعی راه یافته و شدت علاقه و هجوم بیش از پیش مردم به خانقاه‌ها و وجود خیل مریدان، شکاف بین روحانیت متشرّع و تصوّف را به نهایت نمودار ساخته بود. خانقاه به‌طور کامل در برابر مدرسه قد علم کرده و تعلیمات آن مانند مدرسه دارای سلسله، اسناد، و اجازه شده بود. تضادّ بین تشرّع و تصوّف در هیچ عهدی تا این حد نبوده است. صوفیان در برابر علماء و ائمه که عشق و موسیقی، سماع و شراب را حرام می‌دانستند، ایستاده بودند و مردانه پای می‌فشردند. عشق را پایه سلوک می‌دانستند و عشق مجازی را که گاه با هوای نفس و شهوت در هم می‌آمیخت، به مثابه پلی برای عبور و وصول به عشق حقیقی یعنی خدا قلمداد می‌کردند و موسیقی و سماع را واسطه جذبه الهی می‌دانستند. صوفیان به اشکالی گاه مغایر با آئین رسمی و با نوعی لاقیدی عقاید خود را اظهار می‌داشتند که اغلب با حرکاتی جنون‌آمیز توأم بود. مریدان برای رفتار و گفتار آنان تعبیراتی را قائل می‌شدند و مردم همه این‌ها را می‌پسندیدند و به آنان جلب می‌شدند (بیانی، ۱۳۸۹: ۶۵۷). مدارک مهمی که از دوره ایلخانان در دست است حاکی از وسعت زمینه تصوّف و کثرت عده صوفیان در اکناف قلمرو ایلخانی و وجود خانقاه‌های بی‌شمار در

خانقاه مرکز آموزش شبانه‌روزی صوفیان که به نظر می‌رسد با جمع‌بندی فعالیت صوفیانه در اواخر قرن پنجم/ششم ه. در ایران پدید آمده است (هرمانس، ۱۳۸۸: ۵۱۹). این اصطلاح از ریشه فارسی است و احتمالاً از کلماتی به معنی «برای اقامت» (خانه‌گاه) صوفیان گرفته شده است. هرچند ریشه-شناسی‌های دیگری نیز پیشنهاد شده است (همان). بین خانقاه و صفّه که مسکن فقرای حجاز در روزگار حضرت رسول(ص) بود، مشابهت و نسبتی است (محمود کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۱۱-۱۱۰). خانقاه - که نماد بیرونی تصوّف و عرفان است - قبل از این که متعلق به صوفیه باشد متعلق به کرامیه بوده است. ایشان بوده‌اند که نخستین بنیادگزاران «خانقاه» در خراسان و حتی شام و بیت‌المقدس بوده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۳: ۴۴). حمایت از این مؤسسات مذهبی از سوی نخبگان حاکم به‌تدریج وسعت یافت و به پشتیبانی قابل ملاحظه‌ای در ساختن خانقاه‌ها و اختصاص مقرری برای صوفیان مقیم در آن جا منتهی شد. برخی رهبران صوفی در خانقاه‌های خود به خاک سپرده شده‌اند و در نتیجه آن جا را به زیارت‌گاه‌های مورد توجه عام مبدل کرده‌اند (هرمانس، ۱۳۸۸: ۵۱۹). اسپنسر درباره یک خانقاه رسمی و معمولی و تقریباً متحدالشکل شده نوشته است: یک خانقاه معمولی عبارت بود از یک حیاط مرکزی و رواق‌هایی طولانی در دو سوی آن، در قسمت داخلی حجره‌های خلوت صوفیان قرار داشت و در یک سمت سالنی بود برای نیایش و تمرینات گروهی، غالباً نمازخانه مجزایی نیز داشت. پوستین شیخ در جلوی محراب آویخته بود و او در هنگام اجرای مراسم تشریفات در آن جا می‌نشست. در بالای طاقچه نام بانی خانقاه و عبارات مذهبی مانند کلمات شهادت کنده‌کاری شده بود. آشپزخانه و سایر اطاق‌ها و گاهی دالان و راهرویی هم بدان پیوسته بود و برای هر دو دسته صوفیان مقیم و



در جایی از متن ملاقات شیخ و کمال الدین باکویی آمده است که «ایشان را تبی عارض گشته بی تاب شده خود را به کنار آب و سبزه رسانیده‌اند. احیاناً آن جا در حوالی خانقاه شیخ شی‌الله واقع شده» حال آن که عمده خانقاه‌های شناخته شده مانند بسطام، نطنز و اردبیل (بلر، ۱۳۸۱: ۱۹۹) دارای بخش‌های مختلفی اعم از عبادی و رفاهی بودند که بخش رفاهی آن مأمی برای مسافران و درماندگان بوده است. حال آن‌که از روایت فوق این استنباط می‌شود که خانقاه شیخ فاقد چنین بخشی بوده است و تنها مکانی برای عبادت و اجرای مناسک درویش بوده است. زیرا اگر چنین بخشی در خانقاه می‌بود قاعدتاً مولانا کمال الدین برای استراحت در آن جا اطراق می‌نمود. این موضوع دلالت بر کوچکی خانقاه شیخ نسبت به نمونه‌های شناخته شده بوده است.

در بخش دیگری از روایت کمال الدین باکویی اشاره به رفتن خویش به خانقاه شیخ را آورده است «مرا تکلیف به خانقاه کردند و در ملازمت ایشان به خانقاه رفتم جایی بصفایی دیدم جماعتی درویشان در کمال خضوع و خشوع در ذکر و فکر و به عبادت مشغول، چند روز آن جا بودم که مرض بالکلیه رفع شد» گویا در این حین زمان به خلوت رفتن درویش پیش می‌آید و شیخ از کمال الدین باکویی نیز تقاضای شرکت در این مراسم را دارد که مولانا کمال الدین در جواب می‌فرماید^{۱۱} ما مردم طالب علمیم ما را با این نوع چیزها و این سوراخ‌ها سری نیست».

از این سخنان می‌توان این استنباط را کرد که جای ذکر و عبادت جایی جدا از مکان خلوت گزیدن بوده است و مکان خلوت جایی بس تنگ و تاریک بوده است که مولانا کمال الدین باکویی از آن با عنوان سوراخ یاد می‌کند.

در ادامه کمال الدین باکویی خواسته شیخ را مبنی بر رفتن به خلوت را پذیرفته و آورده است «چون صبح شد درویشان همه بیرون آمدند به نماز جماعت من نیز بیرون آمدم و نماز کردم» از این گفته نیز

شهرهای مختلف ایران و حمایت خاص فرمانروایان عصر از اهل خانقاه و متصوفه و توجه خالصانه و اظهار ارادت وزرای ایرانی ایلخانان نسبت به مشایخ و بزرگان تصوف است (همان: ۶۵۸). این عوامل باعث شد تا خواجه رشیدالدین همدانی و فرزندش از این گروه صوفیان حمایت نمایند که از جمله این افراد می‌توان از شیخ شی‌الله درگزینی نام برد.

۶ شیخ شی‌الله و خانقاه ایشان در درگزین

درگزین در گذر تاریخ مسکن علما و عرفای بزرگی بوده است (اذکائی، ۱۳۹۲: ۶۷-۶۵). یکی از این عارفان شیخ شی‌الله درگزینی بوده که از مریدان شیخ محمود مزدقانی بوده است. سن شریف ایشان قریب به صد سال رسیده و در سال هفتصد و چهل و سه هجری در ابتدای سلطنت ملک اشرف چوپانی از حیات مستعار گذشته، زنده ابدی گشته است (اسرار تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۵۷). از مریدان این شیخ بزرگوار می‌توان به مولانا کمال الدین باکویی اشاره کرد. اصل آن بزرگوار از بادکوبه شروانات است. او را از علمای شریعت می‌شمارند لکن طریقت را هم محکم می‌گرفت (همان). کتاب روضه الجنان و جنات الجنان به تألیف حافظ حسین کربلائی تبریزی که از عالمان صوفی قرن دهم، درباره مزارات عارفان و مشاهیر تبریز است؛ اشاراتی را پیرامون ملاقات شیخ شی‌الله و مولانا کمال الدین باکویی در شهر درگزین دارد که اطلاعات ارزشمندی را از شیخ شی‌الله درگزینی و خانقاه وی در درگزین می‌دهد (بنگرید به کربلائی تبریزی، ۱۳۴۴: ۴۰۰-۳۹۹).

روایتی که در روضه الجنان پیرامون ملاقات مولانا کمال الدین باکویی و شیخ شی‌الله درگزینی اتفاق افتاده؛ آمده است که شیخ شی‌الله در درگزین دارای خانقاهی بوده که مراسم و مناسک تصوف را به همراه مریدان خویش در آن، به انجام می‌رسانیدند. حال این سؤال از دید باستان‌شناسی مطرح است که این خانقاه در کجای درگزین واقع بوده و آیا امروزه اثری از آن باقی مانده است؟



می‌توان این استنباط را کرد که خلوتگاه و محل عبادت و نماز در کنار هم ولی جدا از هم بوده‌اند.

با تفاسیری که از روایت روضه‌الجنان استنباط می‌شود؛ محتمل‌ترین مکان برای خانقاه شیخ شی‌الله در درگزین را می‌توان بنای امامزاده اظهر درگزین دانست. این بنا مربوط به دوران ایلخانی و معاصر با حیات شیخ بوده است. می‌توان بخش اصلی بنا و مکانی که امروزه صندوق چوبی دوره صفوی و نمونه جدیدتر فلزی در آن قرار داده شده‌اند را با محل عبادت و نمازگاه درویش یکی دانست و محرابی که در داخل بنا است و برخلاف گفته پژوهشگران که آن را از الحاقات دوره صفوی می‌دانند باید مربوط به دوره اصلی بنا که دوره ایلخانی است؛ دانست که محل عبادت و نماز درویشان بوده است و گردی و مدور بودن این محل را نیز می‌توان متناسب با اجرای مناسک و مراسم درویشان به خصوص سماع دانست که از لازمه‌های آن وجود جای مناسب بوده است. همچنین سردابه موجود در زیر بنا را نیز می‌توان با خلوتگاه خانقاه شیخ برابر دانست، که دارای ورودی تنگی است و گویی سوراخی را در زیر بنا ایجاد کرده‌اند (تصویر ۶). توصیفی که کمال‌الدین باکویی از خلوتگاه شیخ آورده است. وجود مزاری در پای ضلع جنوب غربی دیوار سرداب حاکی از عدم مرکزیت این قبر برای بنا است و این امر استنباط می‌شود که جسد متوفی در این بنا دفن شده است و نه این که بنا برای شخص متوفی ساخته شده است. با توجه به این که برخی از صوفیان بعد از مرگ در خانقاه خود دفن می‌شدند؛ می‌توان این مزار را نیز مربوط به شیخ شی‌الله درگزینی دانست که بعد از مرگ در خلوت‌گاه خانقاه خود دفن شده و زیارت‌گاهی برای عام مبدل شده است که با گذشت زمان و ظهور حکومت‌های شیعی خانقاه کارکرد خود را از دست داده است. ولی زیارت‌گاه بودن قبر شیخ با تغییر نام

خود به امامزاده اظهر ابن علی(ع) از اولاد امام زین‌العابدین(ع) همچنان و تا به امروز ادامه داشته است.

در بیش‌تر خانقاه‌ها کتیبه‌هایی از بانی و سازنده آن وجود داشته است. با فرض خانقاه بودن بنای امامزاده اظهر درگزین این مهم نیز برای این بنا نیز می‌تواند صادق باشد. برای این منظور به نظر می‌رسد قاب مستطیلی که در پیشانی بنا و در بالای سردر ورودی قرار دارد را نشانه‌هایی از کتیبه‌هایی بر روی بنا دانست که با استفاده از آجرهای لعاب‌دار به اجرا درآمده بوده که با گذشت زمان لعاب آن‌ها از بین رفته است که نوع آجرها و چینش آن‌ها در داخل قاب گواه این مدعا است (تصویر ۴) و از طرفی اگر فرضیه‌هایی را مبنی بر وجود کتیبه نام بانی و شهادتین در بالای طاقچه داخل خانقاه‌ها (کیانی، ۱۳۶۹: ۱۲۸) را یک فرض ثابت در نظر بگیریم این احتمال و گمان می‌رود که شاید در بالا یا پیرامون طاقچه‌ای که در روبه‌روی محراب در داخل بنا وجود دارد؛ کتیبه‌ای بوده است که اطلاعاتی را پیرامون اصل بنا و کارکرد آن مطرح می‌کرده است ولی طی گذشت زمان و اندوذهای گچی که در دوره‌های بعدی در داخل بنا اجرا شده است؛ پنهان مانده و یا از بین رفته است.^۱

۷ نتیجه‌گیری

شهرستان جدیدالتأسیس درگزین در شمال شرقی استان همدان مکان شهر تاریخی درگزین بوده است. این شهر در دوره‌های مختلف اسلامی به‌ویژه از دوره ایلخانان تا دوره صفوی از شهرهای مهم و آباد ایران بوده که در برخی متون بدان اشاره شده است؛ ولی امروزه جز معدود آثار، نشانه‌هایی از آن شکوه باقی نمانده است. یکی از این آثار بنای امامزاده اظهر درگزین است. این بنا با بدنه‌ای ترک‌دار و گنبدی رک از گونه برج - مقبره‌ها یا خانقاهی دوره ایلخانی

^۱ لازم به ذکر است که فرضیات مطرح پیرامون احتمال وجود کتیبه‌ها نیاز به یک پژوهش و مطالعه دقیق میدانی دارد تا این فرض ثابت و یا احیاناً رد شود.



و مولانا کمال‌الدین باکویی در شهر درگزین دارد. از این متن چنین بر می‌آید که شیخ شی‌لله درگزینی در شهر درگزین خانقاهی داشته است. با توجه به توصیفات آمده از خانقاه شیخ در کتاب روضه‌الجنان و همسنجی‌های میدانی می‌توان این خانقاه را با بنای امامزاده اظهر یکی دانست و مقبره داخل سرداب را نیز به شیخ شی‌لله درگزینی نسبت داد که بعد از وفات در خانقاه خود دفن شده و زیارت‌گاهی برای مریدان شیخ گردیده بود. اما بعد از کم‌رنگ شدن تصوّف و ظهور حکومت‌های شیعی خانقاه شیخ شی‌لله درگزینی کارکرد اصلی خود را از دست داده، ولی همچنان مقبره، زیارت‌گاه مردم محلی بوده است با این تفاوت که این بار مقبره را به اظهر بن علی(ع) نسبت داده‌اند.

است. بنای مذکور شامل یک صحن مدور با محرابی در داخل آن و سرداب که مدفن شخصی است که به اظهر بن علی از اولاد امام زین‌العابدین(ع) نسبت داده شده است. اما با توجه به شیوه ساخت بنا، زمان ساخت بنا و نحوه قرارگیری قبر در داخل سرداب که حاکی از تدفین متوفی بعد از ساخت بنا است نشان از این دارد که بنا در ابتدا کارکردی به غیر از آرامگاه را داشته است.

در دوره ایلخانان، با حمایت پادشاهان و برخی وزرا، صوفی‌گری و تصوّف از جایگاه رفیعی برخوردار شد. در این دوره اکثر شهرهای اسلامی دارای خانقاه‌هایی بوده‌اند که توسط شیوخ صوفی اداره می‌شدند. در کتاب روضه‌الجنان و جنّات الجنان به تألیف حافظ حسین کربلائی تبریزی که از عالمان صوفی قرن دهم، درباره مزارات عارفان و مشاهیر تبریز است؛ اشاراتی را پیرامون ملاقات شیخ شی‌لله



منابع

نظر احسان یارشاطر، شماره ۲۰، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

کلافچی، زهرا و مهرشاد مؤمنی، (۱۳۷۸)، «مجموعه برج آرامگاه‌های استان همدان»، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ۲۵-۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۸، ارگ بم کرمان، جلد چهارم، سازمان میراث فرهنگی: ۶۵۹-۶۸۲.

کیانی، محسن، (۱۳۶۹)، تاریخ خانقاه در ایران، تهران، کتابخانه طهوری.

کیانی، محمدیوسف، (۱۳۷۴) تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، سمت.

مصطفوی، محمد تقی، (۱۳۳۲) آثار تاریخی همدان، تهران: انجمن آثار ملی.

مطراق چی، نصح (۱۳۷۹) بیان/المنازل، ترجمه و تعلیق رحیم رئیس نیا، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.

نظری ارشد، رضا (۱۴۰۰)، «پژوهشی در تکوین و تحول آرامگاه‌های برجی پره‌دار در معماری اسلامی ایران مورد مطالعاتی: برج اظهر درگزین»، مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۳، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰: ۲۳۴-۲۱۳.

هرمانس، مارشال، (۱۳۸۸)، خانقاه، ترجمه افسانه منفرد، دایره المعارف جهان نوین اسلام، سر ویراستار جان ل. اسپوزیتو، ترجمه و تحقیق زیر نظر حسن طارمی راد، محمد دشتی، مهدی دشتی، جلد ۲ (پ-ز)، تهران: نشر کتاب مرجع، نشر کنگره.

هیلن براند، رابرت، (۱۳۸۶)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: روزنه.

اذکائی، پرویز، (۱۳۹۲)، از درگزین تا کاشان، کاشان: سوره تماشا.

اسرار تبریزی، محمد کاظم بن محمد، (۱۳۸۸)، منظر الاولیاء (در مزارات تبریز و حومه)، تهران، مجلس شورای اسلامی. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد.

استهری، هادی، (۱۳۸۹)، «پیدایش و گسترش خانقاه در ایران»، نیمسال نامه تاریخ نو، شماره اول پائیز و زمستان ۱۳۸۹: ۵۳-۳۷.

انصاری، قاسم، (۱۳۷۳)، مبانی عرفان و تصوف، چاپ سوم، تهران: پیام نور.

بلر، شیدا و جانانان بلوم، (۱۳۸۱)، هنر و معماری اسلامی (۲) (۱۲۵۰-۱۸۰۰ میلادی)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سمت.

بیانی، شیرین (اسلامی ندوشن)، (۱۳۸۹)، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲ (چاپ سوم ۱۳۸۹)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

حیدری، احمد، (۱۳۹۹)، تاریخ تقسیمات سیاسی در استان همدان، قم: انتشارات پیروان ولایت.

زارعی، محمدابراهیم، (۱۳۹۹)، «بررسی و تحلیل حیات تاریخی شهر درگزین در دوران اسلامی (بر اساس مستندات تاریخی و کاوش‌های باستان‌شناسی)»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲، دوره دهم، تابستان ۱۳۹۹: ۱۸۱-۲۰۶.

شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۳)، درویش ستیهنده، از میراث عرفانی شیخ جام، تهران، سخن.

کاشانی، عزالدین محمود، (۱۳۸۹)، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، مقدمه، تصحیح و توضیحات عفت کرباسی، محمدرضا برزگر، تهران: زواره.

کربلائی تبریزی، حافظ حسین، (۱۳۴۴)، روضات الجنان و جنات الجنان، جزء اول، تصحیح و تعلیق جعفر سلطان القرائی، مجموعه متون فارسی زیر